



اوزاقدان گلن قوشلارا

گلمه ییین بو توشلارا

گللسز ساغلیق بوشلار ها

گؤلون سویو قوروویوب

اوتو دوزلاقی پوروویوب

### سخن مدیر مسؤل:

افزایش سطح آگاهی و به تبع آن آشنایی افراد با حقوق و جایگاه خود در زمینه های مختلف، سبب به وجود آمدن فضای نقد در جامعه شده و همه گروه ها و جریان ها پیوسته در معرض نقد و تحلیل قرار می گیرند. در این میان به دلیل حاکمیت فضای علم و عقلانیت و دربرگرفتن افراد تحصیل کرده، دانشگاه نقش بسیار پررنگی در پویایی این فضا دارد. همین نقش پررنگ دانشگاه سبب اتخاذ رویکردهای مختلف در قبال آن می شود.

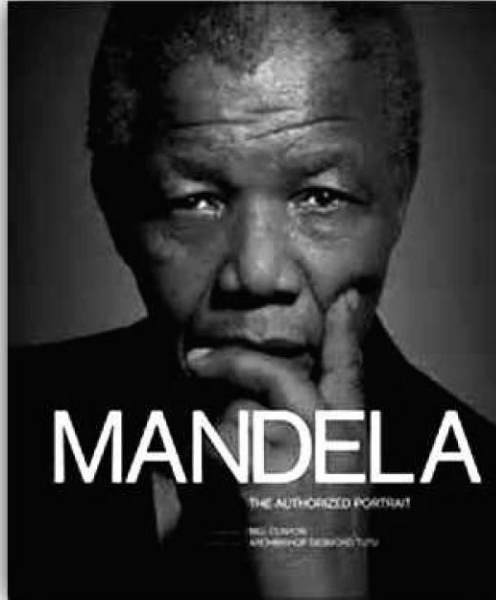
گروه ها و جریان هایی که از فضای نقد و اندیشه گریزانند و تحمل نقد و تحلیل عملکرد خود و شنیدن صداهای مختلف را ندارند به دیده تهدید به دانشگاه خواهند نگریست. در چنین حالتی حاکم شدن فضای امنیتی بر دانشگاه، برخوردهای سفت و سخت با دانشجویان منتقد و دگراندیش، محدود کردن فعالیت انجمن ها و کانون های مستقل، اجبار نشریات دانشجویی به سانسور و خود سانسوری و توقیف پی در پی آنها، استفاده از سلاح ناکارآمد تهمت و انگ زنی و ... دور از ذهن نیست.

در سوی مقابل جریان هایی قرار دارند که فضای نقد و اندیشه در دانشگاه را نه تنها تهدیدی برای خود نمی دانند بلکه به دیده فرصت به آن می نگرند؛ فرصتی که در صورت شکوفایی خواهد توانست علاوه بر نقد و تحلیل عملکردها، راهکارهایی برای باز کردن گره ها و حل مشکلات در زمینه های مختلف ارائه دهد. این رویکرد بر خلاف رویکرد قبلی در مقابل صدا های مختلف آشفته نشده و حقوق دانشجویان برای داشتن انجمن ها و نهادهای مستقل، اعتراض به عملکرد مسئولان، آزادی بیان، دسترسی برابر همه جریان ها و اندیشه ها به تریبون های عمومی و... را پایمال نمی کند. بلکه با احترام به حقوق همه، امکان شکوفایی فضای نقد در جامعه و دانشگاه را فراهم آورده و خود از دستاورد این فضا بهره می برد.

با وجود رویکردهای مختلف قابل اعمال، دانشگاه هیچ گاه خاصیت ذاتی علمی و عقلانی بودن و در نتیجه فضای نقد و اندیشه را از دست نخواهد داد و هر رویکرد یا سیاستی که نتواند خود را با این خاصیت دانشگاه تطبیق دهد به ناچار از جامعه و دانشگاه طرد خواهد شد. همانند سیاستی که در چهار سال گذشته در دانشگاه ها اعمال شد و امروز همه به شکست این رویکرد اذعان دارند.

با تغییر دولت و روی کار آمدن دولتی با شعار عقلانیت و تدبیر، امید است با اتخاذ رویکردی مناسب، فضای شور و نشاط که از جریان آزاد اندیشه ها و اطلاعات حاصل می شود به دانشگاه ها بازگردد.

### نلسون ماندلا اسطوره آزادی در جهان



«هرگون صوبح مشهده بیر جئیران یوخودان دورراق، آسلانا یثم اولماماق اوچون آسلاندان سورعت قاجمالی اولدوغونو یاخشی بیلیر، آسلان ایسه آج قالماساق اوچون جئیراندان سورعت قاجمالی اولدوغونو دوشونور. آسلان یوخسا جئیران اولماق اؤنملی دئیل، بوتون گوجونله گونشین هر دوغولماسیندا قاجماغا حاضر اول.»

#### نلسون ماندلا

سال ۲۰۱۴ میلادی از سوی سازمان یونسکو به احترام اندیشمندان والای دنیای تورک، سال «اسماعیل قاسپیرالی» نام گرفت.

۲

انسجام ملی با سرکوب، حذف، سانسور و تلاش برای نابودی هویت های چندگانه یک کشور به دست نمی آید، بلکه احترام به کرامت و حقوق همه افراد و کمک به بالندگی و پیوند هویت های چندگانه درون جامعه نقطه آغاز شکل گیری انسجام ملی است.

۷

- ۳ . تورک دنیاسی
- ۴ . ستار خان
- ۶ . دموکراسی مانع سوء استفاده نمایندگان
- ۷ . ماندلا هنوز زنده است
- ۸ . هون تورک لری
- ۱۰ . یاللی



## نامگذاری سال ۲۰۱۴ توسط یونسکو به نام "اسماعیل قاسپیرالی"

سال ۲۰۱۴ میلادی از سوی سازمان یونسکو به احترام اندیشمند والای دنیای تورک، سال «اسماعیل قاسپیرالی» نام گرفت. اسماعیل قاسپیرالی از تورکان روسیه می باشد. وی از معدود نوابغ دوران خویش بود که با تسلط وافر به تفکر و اندیشه‌ی در حال تکوین غرب سعی در بومی سازی آن در مشرق زمین افتاد. همچنین قاسپیرالی اولین فردی بود که مدرسی به سبک نوین در دنیای شرق بنیان نهاد و بعدها تحت تأثیر وی، میرزا حسن رشدیه مدرسی به سبک نوین در تبریز به زبان تورکی و بعدها در سراسر ایران تاسیس نمود.

اسماعیل قاسپیرالی در هشتم مارس ۱۸۵۱ میلادی در روستای "آوجی کوی" در نزدیکی های "باغچه سرای" ناتارستان واقع در روسیه چشم به جهان گشود. پدر وی "مصطفی آغا" اهل روستای "قاسپیرا" واقع در قسمت ساحلی "کیریم یا کریمه" بود و مادرش نیز "سلطان خانم" منسوب به خانواده ای از اعیان "کیریم" بود.

اسماعیل قاسپیرالی اندیشه های مدرنیسم خواهانه‌ی خویش در باب موضوعات گوناگونی چون دین، زبان، زبان و آموزش نوین را در نشریه «ترجمان» به روی کاغذ آورده و از این طریق تأثیر انکار ناپذیری در بیداری تورکان داشته است. لازم به ذکر است که قاسپیرالی در دنیای اسلام از نخستین افرادی بود که مسلمانان را با مباحث روشنفکری دینی آشنا نمود.

از آثار قاسپیرالی می توان به: نشریه ترجمان، مسلمانان روسیه، دارالرحمت مسلمانان، دیار زنان، نامه های فرنگستان، کنگره ی مسلمانان، علمای تورکستان، مبادی تمدن اسلامی در روسیه، دسته گل سفید، اصلاح مدارس تورک در روسیه با متد نوین اشاره کرد.



## سخنرانی جوان مخترع و نخبه ماکویی در سازمان ملل

در باره ی این طرح کار کنند. بنابراین سجاد اقدام به پذیرش می کند، این در حالی بود که باید نفرت انتخاب شده تحصیلات کارشناسی ارشد می داشتند ولی وقتی متوجه شدند وی چه مقامهایی کسب کرده شرایط پذیرش وی را در یک کمیسیون ۵ نفره بررسی کردند و سجاد را بعنوان یکی از اعضای این پروژه ۴ نفره پذیرفتند. وی در حال حاضر نیز با حمایت آنها سرگرم تحصیل و آموزش بوده و به عنوان کمک جراح نیز فعالیت می کند. نخبه ماکویی درباره ثبت جهانی اختراعات اظهار می کند: "وقتی با رئیس دانشکده ی پزشکی دانشگاه استانبول از نزدیک آشنا شدم، وی پذیرفت که مرا بعنوان دستیار در عمل های جراحی اش شرکت دهد. حضور در اتاق عمل و مشاهده مشکل بزرگی که جراحان مغز و اعصاب هنگام عکسبرداری از تومورهای مغزی داشتند نخستین جرقه برای اختراع اخیرم در ذهنم ایجاد کرد، چرا که متوجه شدم پزشکان نمی توانند مکان دقیق تومور را در مغز مشخص کنند، بنابراین به فکر اقدام دستگامی اختراع کنم که محل دقیق تومور را ردیابی کند. بدین ترتیب پس از یک سال کار و با کمک پروفیسور «کیلیچ» که از مشهورترین جراحان مغز و اعصاب ترکیه است، در حالی که هزینه ی ۱۵ هزار دلاری ثبت جهانی این اختراع را تقبل کردند این دستگاه را اختراع و ثبت کنم."

سجاد یعقوبی تاکنون ۱۹ اختراع را به نام خود ثبت کرده است که از جمله آنها کمربند رفع خستگی و کاهش استرس، دستگاه تقویت کننده و رفع خستگی چشم، روبات سمپاش نوین و هدبند سردرد که در مسابقات جهانی کره جنوبی مدال طلا را برایش به ارمان آورد. همچنین ساخت روبات امدادگر که در مسابقات جهانی روبات مدال نقره گرفت. وی تاکنون ۱۸ مدال طلا، ۷ مدال نقره و ۶ مدال برنز از مسابقات ها و المپیادهای جهانی علمی، روباتیک و اختراعات و تکنولوژی دریافت کرده است.

حالا سجاد یعقوبی، روی متن سخنرانی اش برای سال بعد در سازمان ملل کار می کند. او می گوید: "به عنوان سفیر صلح و سلامت دانشجویی جهان در مورد منع گسترش و به کار گیری سلاح های شیمیایی و اثرات آن بر محیط زیست سخن خواهیم گفت. سخنرانی ام بیشتر معطوف به خاورمیانه و مشکلات بسیاری که در چندین سال اخیر با آن مواجه هستیم، خواهد بود. در مورد فعالیت های خودم هم صحبت خواهیم کرد، اما هدف اصلی ام، اشاره به مشکلات جهانی و دعوت از همه کشورها به صلح و اتحاد است."



بیست و یک سال قبل در خانواده ای تحصیل کرده و در مرزی ترین شهر استان آذربایجان غربی متولد شد که امروز یکی از افتخارات آذربایجان است. سجاد یعقوبی که از نوجوانی به واسطه نبوغ و خلاقیت و هوش کم نظیرش قدم در عرصه ی اختراع و نوآوری گذاشت، حالا در آستانه ی بیست و یک سالگی با ثبت جهانی آخرین اختراعاتش افتخاری بزرگ برای کشور به ارمان آورده است. مسابقات جهانی اختراعات آمریکا ۱۹ ژوئن ۲۰۱۳ با حضور ۲۱ کشور جهان و حضور ۲ هزار مخترع در آمریکا برگزار شد و سجاد یعقوبی دانشجوی رشته مهندسی پزشکی موفق شد با طراحی و ارائه ی دستگاه ردیابی تومور مغز به روش جدید «ماتریکس» در میان مخترعان بخش پزشکی این مسابقات مقام نخست را کسب کند.

هم اکنون دانشجوی سال دوم پزشکی در یکی از معتبرترین دانشگاههای استانبول ترکیه است و حدود دو سال قبل موفق شده بود از دانشگاه هانوفر آلمان پذیرش بگیرد، اما در همین موقع در می یابد که قرار است به زودی در استانبول یک بیمارستان روباتیک ساخته شود که از سراسر دنیا دنبال چهار نفر می گردند تا به آنها آموزش دهند

تورک دونیاسی

یاسر نچیری

تورک دیل لری بئش قورویا بؤلونورلر:

الف) اوغوز تورکجهسی:

۱. آذربایجان ۲. تورکییه ۳. تورکمن ۴. قاقاووز (گؤک اوغوز) ۵. کریمه تاتار لاری

ب) قیپچاق تورکجهسی:

۶. قازاق ۷. قاراقالپاق ۸. قیرقیز ۹. آلتای ۱۰. نوکای

ج) بولغار تورکجهسی:

۱۱. تاتار (قازان) ۱۲. باشقورد ۱۳. قاراجای ۱۴. بالکار یوخسا بالخار ۱۵. قوموق

۱۶. کارائیم

د) قارلوق یوخسا کارلوق - اوغوز تورکجهسی:

۱۷. اؤزبک ۱۸. یئنی اوغوز ۱۹. صاری اوغوز ۲۰. سالار

ه) اوغوز - اوغوز تورکجهسی:

۲۱. تووا یوخسا سایان ۲۲. کارکاس یوخسا قاراقاش

۲۳. خاکاس (اباکان) ۲۴. شور ۲۵. بارابین ۲۶. چولیم یوخسا کؤبه ریک.

چوواش دیلی و یاقوت دیلی.

سایلاری اوچ یوز میلیوندان چوخ اولان تورکلرین یئندی (۷) باغیمسیز گنهرک (دؤولت) و اون اوچ (۱۳) اؤزه رک (خودمختار) جومهورییتلری واردیر.

باغیمسیز اولان تورک گنهرکلر:

۱. آذربایجان ۲. تورکییه ۳. قازاقستان ۴. اؤزبکیستان ۵. تورکمنیستان ۶. قیرقیزستان ۷. قوزئی قیبرییس تورک جومهورییتی.

و تورک اؤزه رک جومهورییتلری:

۱. دوغو تورکستان (چینه) ۲. قره قالپاقیستان (اؤزبکیستاندا) ۳. ناخجیوان (آذربایجاندا) ۴. قاقاووز (مولداویده) و ۵. باشقوردیستان آلتای ۷. تووا ۸. خاکاسیا ۹. تاتاریستان (قازان) ۱۰. یاکوت (ساخا) ۱۱. چوواش ۱۲. کاباردینو بالکار ۱۳. قره چای چرکسیه، قوزئی قافقاز و روسیادا یئرلشیبلر.

آرتیرمالییق بونلاردان باشقا ایراندا، عراقدا، افغانستاندا، روسیادا، ... و بییر چوخ اؤلکهلرده ده تورک واردیر، آنجاق باغیمسیز اولمادیقلاریندا و تورکجهلرینین هله لیک رسمی اولمادیغی اوچون آدلاری اوسته کی لر آراسیندا یازیلما میشدیر.

قایناقلار:

- تورک تاریخی، دوکتور جواد هئیت، بینار یابین ائوی.

- دیل و ادبییات، علی تبریزی، یاشماق یابین ائوی.

- دیوان لغات الترک، دوکتور حسین محمدزاده صدیق (دوزگون) چئویرسیندن، اختر یابین ائوی.

گونئیدن - قوزئی، دوغودان - باتی یا یئرلشمیش و نیجه مین ابللیک تاریخی اولاراق بؤیوک - بؤیوک ایلخانلیق (امپراتورلوق) لار قوران تورکلر بوگون آیریجا یوردلار و اولکهلرده یئرلشمیشلر. تورکلرین آنا یوردو، اورتا آسیا دئمک اورال و آلتای داغلاری آراسی دیر. بئله کی اسکی تورکلر دوغوش (میلاد) دان اؤنجه ده آلتای و تاتاری (سیان شای) داغلاری یانیندا ایلخانلیقلار قوروموشلار. تورکلر یئئدی یوز (۷۰۰) ایل دوغوشدان اؤنجه باشلار، اون بیرینجی یوز ایلده دک دؤنه لرجه آیریجا یوردلار و اؤلکه لره کؤچموشدورلر. کؤچوشون اوز وئرمه سینده چوخلو نندن لرین اتیکسی اولموشدور. اؤرنک اولاراق هون تورکلری قورولوق اوزوندن، اوغوز تورکلری ایسه چوخلوق هابئله کؤیشن - اؤرورشلری نین ازلغیندن کؤچمک زوروندا قالمیشدیلار. تورکلرین آذربایجانا، آنادولویا، بین النهرینه، ایرانا، ... گلشیریده او یوزایل لر آراسی اوز وئرمیشدیر.

“تورک” آدی اسکی قایناق لاردا، او تومجه دن؛ هئروودوتا “سارگیتا”، هیند قاینالاریندا “توروخا”، چین قاینالاریندا “توکوته یوخسا توکیو”، ... یازیلیمش. تورک لرین اورخون داش یازیتلاریندا ایسه “تورک” سؤزجو، تورک اولوسوندان باشقا بودون (میللت) و دؤولت آنلامیندا ایشله نیلیدیر. تورکون توره مک (تولیدمئل) ائلمیندن توتولماسی و گوج، قوت آنلامیندا اولدوغودا یازیلیر، بئله کی توم اولاراق گوج آنلامیندا اولماسی سؤیله نیلیر. قاشغاری محمد “دیوان لغات الترک” آدی یاییتیندا (اثرینده) تورک سؤزجو یونون آچیقلاماسی نین بیرینده بئله یازیر: «تورک حضرت نوحون اوغلو نون آدیدیر، تانری اؤزو بو آدی نوح اوغلو تورکون توره مه لرینه و اؤولادلارینا وئرمیشدیر»، سونراسی حضرت محمدن (ص) بییر حدیث یازیرکی اوندان تانری تورکه «اؤز قوشونوم» دئییر. آردیندا بئله آرتیریر؛ «بو بو، توم یارادیلیمشلار آراسیندا، تورک اوچون یوجه لیک و اوستولوک ساییلیر.»

اسکی اوغوزلارین ایچینده بؤیوک بییر بوی (قیبله) آدی تورک ایمیش، دوغوشون ۵۵۲ اینجی ایلینده گؤک تورک ایلخانلیغی قورولدوقدان سونرا، تورک آدی توم بو دیلده دانیشان بوی و ائلره وئریلدی، بئله کی گؤک تورکلردن سونرا گلن ایلخانلیقلار و اگه منلیک (حکومت) لار، دئمک سلجوق لار، عوتمانی لار، غزنه لی لار، خازم لر، تیمورلور، آقشارلار، قاجارلار و بییرچوخلاری گنل اولاراق (عموما) دونیا اوزرینده تورک آدی ایله تانیماقدادیرلار. تورکلر آغ توران سوبلو (نژادلی)، اسکی لری بادام گؤز و بومرو اوز ایمیش لر. اورخون چایلاری نین قیراغیندا کی “گول تکین” انیت مجسمه سی، تورکون اصیل قییافه سی نین اؤنه یی اولایبلر. آنجاق تورکلرین چیندن آوروپا یادک داغیلدیقلاری، چشیتلی یوردلار و جغرافیالاردا یاشادیقلاری، سورج (زامان) بویونجا هاوا دورومو و سووین اتکی بوراخدیغی، گنتدیگجه بونلارین اوز و دری بویالارینی بییر - بییریندن آیریمیلاشدیرمیشدیر (فرقلی ائیله میشدیر).

تورکلرین کؤچوشو هابئله بییر - بییریندن اوزاق یاشادیغی، دیل لرینده دئیهلک (لهجه) لر اولوشدوردو. ایندیسه تورکجه نین اییرمی سککیز (۲۸) دئیهلکلریندن اییرمی ایکسی اؤزونه گوره اؤزل (مخصوص) ادبیاتی و باغیمسیز (مستقل) دیل بیلگیسی (گرامری) واردیر. تورکجه نین توم دئیهلکلری بییر - بییری آراسیندا آز - چوخ آنلاشیلیرلار، تکی چوواشجا و یاقوتچادان باشقا. چوواش و یاقوتلار چوخ اسکی ایل لر اؤنجه بو تورکلردن آیریلدیقلاریندا، ایلگی لری (ارتباط لاری) بونلارلا کسلیمیشدیر، او اوزدن دیل لریده داها چوخ آیریمی اولموشدور.

بؤیوک اوزم لردن اوندولماز سؤزلر

• ماراقانلیب سوروشماق، بیلیک الده ائتمه یین یاریسیدیر.	• اینسان بیلمه دیگی شئی سوروشماق اوچون بئله، بییر چوخ شئی لر اؤیرنمیش اولمالیدیر.	• ماراقانلیب سوروشماق، بیلیک الده ائتمه یین یاریسیدیر.
حضرت محمد (ص)	ژان ژاک روسو	• ماراقانلیب سوروشماق، بیلیک الده ائتمه یین یاریسیدیر.
• گووه نیلمز سؤزونه سارساق اگر وئرسه ده سؤز، بوش کوزه تتر بودورر دورسا قیراغیندا دامین.	• تتر دئییب بوشونماقدانسا (پنشان اولماقدانسا)، گنج دئمک ساوادیر (مصلحت دیر).	• ماراقانلیب سوروشماق، بیلیک الده ائتمه یین یاریسیدیر.
تیریزلی صائب	ع. باکی خان اوف	• ماراقانلیب سوروشماق، بیلیک الده ائتمه یین یاریسیدیر.
• تتر جوشار یونگول اولانلار ایچی بوش سؤزلردن، قارغیلیق های قوپارار آستا سن یئل لردن.	• کیمسه سنین یانیندا باشقا سیندان یامان دئییب دانیشارسا، بیل کی باشقاسی نین دا یانیندا سنی پیسله بییر.	• ماراقانلیب سوروشماق، بیلیک الده ائتمه یین یاریسیدیر.
تیریزلی صائب	تیریزلی شمس	• ماراقانلیب سوروشماق، بیلیک الده ائتمه یین یاریسیدیر.
• یالانین ان بؤیوک گوجو یایلماسیندادیر.		• ماراقانلیب سوروشماق، بیلیک الده ائتمه یین یاریسیدیر.
ناظیم حیکمت		• ماراقانلیب سوروشماق، بیلیک الده ائتمه یین یاریسیدیر.

تورک دونیاسی - اوندولماز سؤزلر



تاریخ، کتابی است که سرگذشت ملت‌ها و انسان‌ها را در خود جای داده و در این میان خواندنی‌ترین سطرها، متعلق به ملت‌های آزاده و حماسه‌های آن‌هاست. اغلب این حماسه‌ها زمانی اتفاق افتاده است که ظلم سراسر سرزمینی را فرا گرفته و آخرین بارقه‌های امید رو به خاموشی رفته؛ اما ناگهان دستی بر آمده و دوباره بیرق آزادی را بر افراشته است. این مطلب کوتاه قصد دارد سرگذشت مردی را بنویسد که صدها صفحه کتاب برای نوشتن زندگی سراسر حادثه و فداکاری او کافی نیست و ما نیز ادعا نمی‌کنیم که حق مطلب را ادا کرده‌ایم اما امیدواریم با معرفی کوتاه این جوانمرد اندکی از دین خود به ایشان را به جا آورده باشیم. ما از سردار ملی ایران، ستارخان سخن به میان آوردیم که در ۲۸ مهر ۱۲۴۵ شمسی در روستای بیشک ورزقان از توابع آذربایجان چشم به جهان گشوده است. اتفاقات کودکی و نوجوانی او چندان آشکار نیست ولی از آنچه به دست آمده می‌توان گفت که تا زمان مرگ برادرش اسماعیل،

به همراه پدرش در روستاهای قارداغ به پارچه فروشی مشغول بوده و پس از آن به وصیت پدرش به تبریز مهاجرت کرده و در محله‌ی امیر خیز ساکن شد و به گروه جوانمردان آن محله که همیشه حامی حقوق طبقات زحمتکش بودند پیوست.

پس از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفر الدین شاه در تیر ماه ۱۲۸۵ محمدعلی‌شاه در زمستان همان سال به قدرت رسید و علناً شروع به مخالفت با فرمان مشروطیت و مجلس شورای ملی کرد. در تبریز ملانمایان، انجمن اسلامی و سعادت را تشکیل دادند. وقتی این شرایط به وجود آمد، در شهرهای ایران جنبش‌هایی برای حمایت از آزادی‌خواهی و مشروطه تشکیل شد. در تبریز هم جنبش در دست قشر روشن‌فکر و تاجرمسلک بود و طبیعتاً ستارخان که سواد خواندن نداشت در این انجمن جایگاه خاصی نداشت با رسیدن خبر به توپ بسته شدن مجلس توسط محمدعلی‌شاه، دسته‌های مجاهد تبریز خواستار اصرام به تهران شدند که اولین گروه‌های داوطلب ستارخان و باقرخان و محمدقلی آقبلاغی بودند که در بهار ۱۲۸۷ راهی شدند. فوئودال‌های شهرهای مختلف یا دسته‌هایشان به مخالفان جنبش پیوستند و جو تبریز

ملتهب شد و احتمال درگیری بالا رفت به همین خاطر به ستارخان و باقرخان دستور بازگشت داده شد و تهران از کمک تبریز بی‌بهره ماند و چون کار تهران تمام شد، محمدعلی‌شاه به آذربایجان پرداخت و انجمن اسلامی با تبلیغات فراوان به آزادی خواهان تهمت بی‌دینی زد و طرفدارانش به محلات تبریز حمله کردند.

رسیدن خبر به توپ بسته شدن مجلس و مجازات مشروطه‌خواهان تهران، مجاهدان را ناامید کرد و با حمله‌ی طرفداران انجمن اسلامی ۱۱ محله از ۱۲ محله‌ی بزرگ تبریز به دست مخالفان جنبش افتاد.

با وقوع این تحولات سران تاجرمسلک جنبش به جای مقاومت گریختند و پراکنده شدند و تنها ستارخان و باقرخان بنای مقاومت گذاشتند و کم‌کم جایگاه ستارخان به عنوان فرمانده آزادی‌خواهان بیشتر مشخص شد. نیروهای محمدعلی‌شاه در تیر ۱۲۸۷ به شرق تبریز حمله کرده و راه‌ها، نهرها و آسیاب‌های تبریز را بستند و روزگار سخت تبریز شروع شد و با تلاش و تبلیغات منفی پاختیانوف و کنسول‌گری روس، مجاهدان اسلحه‌های خود را تحویل دادند و در بسیاری از محله‌های تبریز بیرق سفید به نشان امان خواهی از دولت بر در خانه‌ها نصب شد حتی پاختیانوف به سردار پیشنهاد داد که بیرقی سفید بر در خانه اش نصب کند و از ستارخان چنین جواب شنید: «من می‌خواهم هفت دولت زیر بیرق امیرالمومنین باشد تو می‌گویی زیر پرچم بیگانه بروم؟ هرگز چنین نخواهد شد.» دو روز از این وضع گذشته بود که ستارخان با هفده نفر از یارانش یک روز تمام تلاش کردند تا بیرق‌ها را خوابانند با این کار دوباره مجاهدین اطراف ستارخان جمع شدند. شاه فهمید که کار تبریز به این آسانی‌ها نیست بنابراین لشکری ۴۰-۳۵ هزارنفری از ایلات و حاکمان سراسر ایران فراهم آورد و با فرماندهی عین الدوله به تبریز فرستاد تا به هر قیمتی تبریز را به دست گیرد. در این طرف ستارخان با مشکلات متعددی دست به گریبان بود. از طرفی محاصره‌ی شهر توسط سپاه عظیم،

این لشکر عظیم در مقابل ستارخان که یارانش در بهترین شرایط حدود ۱۵ هزار نفر بود، صف‌آرایی کرده بود و این یعنی در طی یازده ماه تبریز، هم‌روزه تنور جنگ داغ بود. یکی از شاخص‌ترین جنگ‌ها در ۱۹ شهریور اتفاق افتاد که سپاه ماکو که در خون‌ریزی شهیره بود از بل آجی، سربازان رحیم‌خان قره داغی از دروازه دوجی و سالار ارفع از هکماور و آخونی به امیرخیز حمله کردند. با اینکه حتی عده‌ای از مجاهدین این روز را آخرین روز مقاومت می‌دانستند ولی ستارخان نه تنها تسلیم نشد بلکه با دلیری بی‌مثالی در سنگرها حاضر شد و یارانش با دیدن تلاش سردار روحیه‌ی مضاعف گرفتند و تا غروب همان روز همه‌ی ارتش را به عقب راندند.



مجاهدین طی ۴ ماه جنگ نابرابر و جان فرسا پیروز شدند و تبریز را به دست گرفتند و بیرق‌های سرخ بر سردر خانه‌ها نصب کردند. به این ترتیب نام ستارخان از مرزهای ایران فراتر رفت و هم‌روزه خبر دلیری‌ها و پیروزی‌هایش در روزنامه‌های اروپا چاپ می‌شد و در سراسر اروپا مردم از خواندن اخبار موفقیت‌های ستارخان زبان به تحسین می‌گشودند. پس از فتح تبریز، حلی جنگ‌های طاقت‌فرسا و دلیرانه سردار و یارانش شهرهای سلماس، مرند و خوی را به دست گرفتند. استبداد صغیر ۱۱ ماه طول کشید و در این مدت ستارخان از جان‌گذشتگی‌ها کرد و دلیری‌ها به خرج داد تا مردم دل‌مرده ایران را دوباره زنده کند. در پایان استبداد صغیر، محمدعلی‌شاه به اجبار فرمان اعطای مشروطیت و اعلان انتخابات مجلس شورای ملی را صادر کرد. ارتش روس نیز وارد تبریز شده و راه جلفا باز شد و بدین ترتیب محاصره به پایان رسید و ستارخان و باقرخان که شرایط را خطرناک دیدند، به کنسولگری عثمانی پناهنده شدند تا اینکه دوباره مجلس برپا شد و ستارخان و باقرخان به تهران دعوت شدند تا از آنها تقدیر به عمل آید. البته علمای نجف و اسماعیل امیرخیزی این دعوت را سناریوی جدید دولت برای کنار گذاشتن سردار می‌دانستند و از او خواستند در راه قزوین، راه خود را به سوی کرپلا عوض کنند که به دلیل استقبال بی‌نظیر مردم در شهرهای مختلف و دعوت شاه، ستارخان رفتن به کرپلا را به بعد از سفر تهران موکول کرد. در تهران نیز استقبال شایانی از مجاهدین به عمل آمد و نشان زرکوب - طلاکوب به سردار و سالار اهدا شد و ستارخان را با یارانش در باغ اتابک سکونت دادند.

پس از مدتی به خاطر اختلافات و درگیری‌های پیش‌آمده پس از جریان کشته شدن آیت‌الله بهبهانی و میرزا علی‌محمدخان تربیت که از سران مشروطه بودند، مجلس شورای ملی طرحی را به امضا رساند که در آن مجاهدین را موظف میکرد که اسلحه‌های خود را تحویل دهند. اجرای حکم به پیرم خان ارمنی که هم‌رزم و یار صمیمی سردار بود سپرده شد. وی به ستارخان و یارانش ۴۸ ساعت فرصت داد تا سلاح‌هایشان را تحویل دهند، ولی ستارخان از این کار امتناع کرد. به دنبال این، پیرم‌خان با سه هزار نفر و چند عراده توپ باغ اتابک را محاصره و پس از هشدار به آنجا حمله کرد. ۳۰ نفر از یاران ستارخان کشته و ۳۰۰ نفر هم دستگیر شدند؛ خود سردار هم از ناحیه پا تیر خورد. پزشکان برای مداوایش تلاش بسیاری کردند ولی موفق نشدند و ستارخان ۴ سال بعد در کنج عزلت و سکوت به شکل مظلومانه‌ی حیات را بدرود گفت و در باغ طوطی شهر ری در جوار شاه‌عبدالعظیم به خاک سپرده شد.



«با اراده‌ی استوار، پشتکار و مهارت در جنگ دشمن را شکست میداد. احتیاط لازم را هرگز رعایت نمی‌کرد و تا پایان با خود صادق بود. همواره به قولش عمل می‌کرد و همیشه طرفدار حقیقت بود. نیکی را هرگز فراموش نمی‌کرد. هیچ‌گاه، حتی به هنگام سرداری نیز دوستانی را که از طبقه سوم جامعه بودند، از یاد نمی‌برد. بسیار متعصب بود و اهالی فقیر را به حد بی‌نظیری دوست می‌داشت. وطن‌پرستی بزرگ بود و ایران را دوست می‌داشت و در راه استقلال میهن می‌جنگید.»

منابع:

- قیام آذربایجان و ستار خان، اسماعیل امیر خیزی.
- تاریخ کامل ایران، دکتر عبدالله رازی.
- تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، محمد باقر ویجویه ای.
- تاریخ مشروطه ی ایران، احمد کسروی.
- دوره ی تاریخ ایران، حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی.

تا مدتی محل قبرش نامعلوم بود ولی بعدها پیدا و مرمت شد و مقبره‌ی ساده‌ای هم ساخته شد که آن هم با خاک یکسان شد. البته الآن هم با نهایت تأسف وضع مناسبی ندارد و خانواده‌اش بارها تلاش کرده‌اند تا به وصیتش عمل کنند و مجوزهای لازم را برای انتقال مزارش به تبریز به دست آورند، اما تاکنون موفق نشده‌اند.

به گواهی تاریخ در دوران مشروطه ایران، هیچ کاری به بزرگی و ارجداری کاری که ستارخان انجام داده، نیست. اما همین مرد که مسیر تاریخ مشروطه را عوض کرد حتی پس از زخمی شدن و دور شدن از میدان خدمت به مردم، هنوز غمخوار مردم بود و این مطلب در حرف‌هایی که در اواخر عمرش بیان کرده، کاملاً هویداست. سردار مردی بود که حتی زمانی که همه‌کاره تبریز بود، در خانه‌اش خدمتکار نداشت و با اسب رفت‌وآمد می‌کرد و سوار درشکه نمیشد و به تمام معنا مثل مردم عادی زندگی می‌کرد و سادگی در تمام زوایای زندگی اش جاری بود. ولی جای تأسف دارد که با همه‌ی حماسه‌هایی که ستارخان آفرید و در راه وطن از همه چیزش حتی برادر و دو خواهر زاده اش گذشت، در هیچ یک از کتب درسی و آموزشی ایران اشاره‌ای به این بزرگ‌مرد نشده و به نسل‌های جدید معرفی نشده‌است. آری! ستارخان، به تمام معنا محجور واقع شده است. ما هم امیدواریم مسئولین محترم به قهرمانان ملی از جمله سردار ملی، ستارخان ارزش بیشتری قائل شوند و مطلب آخر اینکه توصیف ستارخان را از زبان اسماعیل امیرخیزی که هم‌رزم و مشاور اول وی بود می‌خوانیم:

## قورولوق !!!

در درونمان خشک شوند و درونمان را نیز بخشکانند! دریاچه اورمیه هم مانند باقی داشته هامون به تاریخ می پیونده و ما میمانیم و مشیت الهی که ارجعیتش دادیم به خواستن و رسیدن! دریاچه اورمیه را همه دوست دارند همه می‌خواهندش و همه آرزو دارند که بار دیگر پذیرای مهمانان شهرمان باشد تا به همه ثابت کند شهر من کسی را غرق نمی‌کند! اما چه سود که مردم این شهر از زیانشان به دار کشیده شده اند همانگونه که خاک این شهر از دریاچه اش دارزده شده است! درخواست های سست این مردم خواب آلود آهسته تر از آن است که گوش سنگین حاکمان این شهر بشنوند! دریاچه ای که آخرین نفسهایش را میکشد و تنها برگ باقی مانده از درخت شهر من است! کجاست نقاشی که چند برگ بر این درخت عریان بکشد تا کور سوی امیدی باشد برای شهرمان؟ گاه به خدای شهرم شک می کنم نکند او خواب است که این مردم را این چنین خواب برده؟ ای کاش می شد تمام باقی مانده زندگیم تبدیل به فریادی بلند بشود! فریادی به بلندی عمق خواب این مردم، تا نعره کشان از بالای این شهر به سوی فلک بلند شوم شاید آن دم آخر که از شهر دور میشوم چند تنی برخیزند من آن لحظه اتمام صدا، بچشم طعم خوش بیداری شهرم را!

بیزار: مهرداد چخیرلی

توی کوچه پس کوچه های این شهر همه جا صحبت از خشک شدن! همسایه ها از خشک شدن انصاف بقال میگند و لوتی پیر محله از خشک شدن رگ غیرت جوانی این دوره و زمونه ، مادر بزرگم از خشکیدن بوته های محبت صحبت میکنه و پدرم از خشک شدن درخت حیا و احترام ، خلاصه شهر من هفته بازار خشکباره، خشکه هر چیزی پیدا میشه! همه چی اینجا خشک میشند، از خشک شدن زبان مادری تو حلقمون بگیر تا خشک شدن دریاچه آرزو هامون! تو این شهر، آرزو چه واژه غمناک و بغض آلودی شده! اینجا آرزو داشتن بر جوانان عیب بزرگیه، چرا که کوچکترین آرزوها هم به اندازه بعید ترین رویاها دست نیافتنی شده اند! مانند آرزوی داشتن خونه، آرزوی ازدواج، آرزوی کار کردن و یا آرزوی بودن همانگونه که هستیم! این روزا خشک شدن دریاچه اورمیه هم سر زبوناست و چه هم خوانی زیبایی دارد با دریاچه آرزو هامون! دریاچه اورمیه جدای از چرایی خشک شدنش و جدای از عواقب وخیم خشک شدنش! یه نماده، نماد باغ امیدمونه که داره تبدیل به کویر می شه ، دریاچه اورمیه سنبل خواستنها ونرسیدن هاست! اون سنبل تک تک آرزوهای این ملته! سمبل روزهای خوبش! دریاچه اورمیه دارد خشک می شود همچون فریادهایی که قورتشان دادیم تا



حیدر بابا اورمو گولو سوسوزدور  
باغری یانیب، دیل دوداغی قیر دوز دور  
اوز یوردوندا کیمنسه سی یوخ، یالنیزدیر  
زامان بویو آخان چایا نه گلدی؟  
شیرین سویاه، آجی چایا، نه گلدی؟

## دموکراسی مانع سوء استفاده نمایندگان

رضاحقی

۱۸۶۱ می نویسد «واضح است تنها حکومتی که می تواند به طور کامل تمام ضرورت های دولت اجتماعی برآورده سازد حکومتی است که کل مردم در آن مشارکت دارند... در نهایت هیچ چیز به اندازه پذیرش همه مردم برای مشارکت در قدرت مطلقه دولت مطلوب نیست پس نتیجه می گیریم نوع آرمانی یک حکومت کامل باید نمایندگی باشد.»

۲. انتخاب آزاد، منصفانه و مکرر: جلوگیری از سوء استفاده نمایندگان از جایگاهشان. اگر برابری سیاسی، علل خصوص در رأی دادن را مطلوب بدانیم، در آن صورت بدیهی است که انتخابات باید آزاد و منصفانه و مکرر باشد. آزاد بودن بدان معناست که شهروندان می توانند بدون ترس از تلافی پای صندوق های رأی بروند؛ منصفانه بودن هم بدان معناست که تمام رأی ها برابر در نظر گرفته شوند و مکرر نیز باید طی مدتی، نه طولانی و نه کم، صورت گیرد.

۳. آزادی بیان: شهروندان حق دارند بدون مجازات نظر خود را در مورد مسائل سیاسی، به معنای دقیق کلمه که شامل انتقاد از مقامات، حکومت، نظام سیاسی اقتصادی و ایدئولوژی حاکم می شود، بیان کنند. اولاً آزادی بیان شرط مشارکت واقعی شهروندان در حیات سیاسی است. ثانیاً، بیان آزاد تنها بدان نیست که شما حق داشته باشید حرفتان شنیده شود؛ بلکه شما این حق را هم دارید که حرف دیگران را بشنوید. مثلاً منابع اطلاع رسانی همچون نشریات، رسانه ها، و نیز نهادهای سیاسی و مدنی و... نباید با فیلترینگ چند جانبه و شدید روبرو شوند. کسب درک روشن از اقدامات و خط مشی های احتمالی حکومت نیز نیازمند آزادی بیان است. در نهایت، بدون آزادی بیان، شهروندان خیلی زود توانایی شان را برای تأثیر گذاری بر تصمیم گیری های حکومت از دست می دهند.

## به طور کلی دموکراسی، برابری همگانی در حوزه سیاسی و حقوقی است.

۴. منابع بدیل اطلاع رسانی: کسب اطلاعات از منابع مستقل اطلاع رسانی همچون روزنامه ها، مجلات و دیگر رسانه های ارتباط جمعی که مجبور به سانسور نیستند. منابع اطلاع رسانی نباید تحت انحصار و نظارت مطلق حکومت یا گروهی خاص باشد تا ملاک های اولیه دموکراسی نظیر نیاز به درک روشن، مشارکت واقعی، اعمال نظر در دستور جلسه عمومی پایمال نشود. در غیر این صورت، شهروندان نمی توانند اطلاعات را جهت درک مباحث و واقعیت های حیات سیاسی به دست آورند. مثلاً انحصار رسانه باعث می شود کارشناسی که نظرات نزدیک به حکومت در خصوص مسئله ای مورد مناقشه را دارد، بتواند با نظرات خود افکار عمومی جامعه را تغییر دهد. به بیان دیگر در صورتی که رسانه ها تحت انحصار باشند کارکرد اصلی خود را که همانا روشننگری است، از دست خواهند داد. در چنین شرایطی رسانه ها به جای این که صدای مردم باشند به صدای حاکمیت تبدیل خواهند شد.

۵. تشکل های مستقل: تشکیل انجمن ها، سازمان های مستقل، احزاب و گروه های ذینفع سیاسی مستقل جهت رسیدن به انواع حقوق، از جمله حقوقی که برای عمل کارآمد نهاد های سیاسی دموکراتیک لازمند.

انجمن های مستقل منشأ روشننگری و آموزش شهروندی هستند. آن ها نه تنها برای شهروندان اطلاعات فراهم می سازند بلکه زمینه های بحث، تبادل نظر و کسب مهارت های سیاسی را نیز برای آنان فراهم می سازد. پذیرش ضرورت انجمن های سیاسی موجب یک دگرگونی ریشه ای در شیوه تفکر انسان ها شد؛ در یک جمهوری وسیع تشکیل انجمن های مستقل هم لازم و هم مطلوب و اجتناب ناپذیر است.

۶. شهروندی ادغامی: نباید حقوقی را که لازمه پنج رکن سیاسی مزبور می باشد را از هیچ شهروندی دریغ کرد. در ارائه راهبردهایی جهت انتقال به دموکراسی در کشورهای غیردموکراتیک، تحکیم نهاد های دموکراتیک در کشورهایی که جدیداً دموکراتیک شده اند و بررسی چگونگی بالابردن سطح دموکراسی در کشورهای دموکراتیک قدیمی تر، به ادغام کامل شهروندی نیاز است.

منابع:

آموزش دانش سیاسی - حسین بشیریه

واژه نامه علوم سیاسی - جعفر لنگرودی

در باره دموکراسی - رابرت دال - ترجمه حسن فشارکی

دموکراسی به عنوان نوعی از رژیم سیاسی، فلسفه اجتماعی است که بیشتر از رژیم های دیگر عقاید گوناگون، تساهل و تامل را می پذیرد و در آن انتقال قدرت از طریق انتخابات و به صورت مسالمت آمیز صورت می گیرد. تساوی بین شهروندان را به رسمیت شناخته شده و تمامی شهروندان از مزایای آن به صورت برابر بهره می گیرند. به طور کلی دموکراسی، برابری همگانی در حوزه سیاسی و حقوقی است.

حال به این سؤال بر می خوریم که تعاریف فلاسفه از دموکراسی، چگونه در واقعیت جلوه می یابد؟ یا همان طور که نویسنده فرانسوی الکسیس دو توکویل پس از دیدارش از آمریکا در سال ۱۸۳۰ اثر معروف خود را «دموکراسی در آمریکا» نامید، ممالکی همچون ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، نروژ و بسیاری دیگر، چقدر دموکراتیک اند؟ برای پاسخ به این سؤال ها ملاک های لازم برای روند اداره جامعه را مطرح می کنیم که شروط برخورداری برابر اعضای جامعه نسبت به تصمیم گیری ها پیرامون خط مشی های جامعه برآورده می سازند:

۱. مشارکت واقعی: وجود فرصت های مساوی و واقعی جهت ابراز دیدگاه اعضای جامعه برای یکدیگر در مورد خط مشی ها. نباید ابراز عقیده فقط در انحصار گروه ایدئولوژیک باشد. مثلاً در جامعه دینی همه اعضا جامعه فارغ از این که در مورد مذهب چگونه می اندیشند، حق ابراز عقیده دارند.

۲. رأی برابر: برابر محسوب شدن تمام آرا هنگام تصمیم گیری و شکل گیری فرصت مساوی و کار آمد در رأی دادن برای هر عضو. ساختارهای اداری - دولتی مد نظر است که انتصاب افراد برای مسئولیت ها از طرف افراد ذی نفوذ، آزاد بودن انتخابات را خدشه دار می کند.

۳. بدست آوردن درک روشن:

جامعه فرصتی برابر و کافی برای

آشنا شدن با سایر سیاست ها و پیامد عملی آن ها را داشته باشد. برابری آموزش همگانی، فرصت برابر برای شکوفایی دانسته های فکری و فرهنگی همه اقوام در یک جامعه. مثلاً وجود رسانه های آزاد بومی متناسب با فرهنگ آذربایجانی در آذربایجان و عدم سانسور کتب فرهنگی و تاریخی ناشران آذربایجانی.

بدین سان روند دموکراتیکی که مشروط به سه ملاک نام برده باشد هرگز به پایان نمی رسد و در صورت تمایل می تواند خط مشی ها را تغییر دهد.

۴. اعمال کنترل نهایی بر دستور کار: داشتن فرصت مقتضی برای تصمیم گیری در مورد چگونگی قرار دادن مطالبات در دستور کار.

مطالبات منطقه ای باید از طرف تصمیم گیران مناطق مختلف پیگیری گردد و قدرت فقط در انحصار مرکز نباشد.

۵. ادغام بزرگسالان: همه یا، به هر حال، اکثر بزرگسالان باید از حقوق کامل شهروندی که در چهار ملاک قبلی به آن ها اشاره شد برخوردار باشند.

هرگاه یکی از این ملاک ها نقض شود اعضا جامعه دیگر از لحاظ سیاسی و اجتماعی برابر نخواهند بود.

باز این سؤال ها پیش می آید که آیا این ملاک ها سودمندند؟ یا صرفاً امیدهایی واهی برای رسیدن به ناممکن هستند؟ همانطور که می دانیم هیچ نوع از دموکراسی های واقعی هرگز نتوانسته اند ملاک های دموکراتیک توصیف شده را برآورده سازند، ولی این ملاک ها معیارهایی را در دست می دهند که می توان به وسیله آنها عملکرد دولت های مدعی دموکراسی را سنجید. آنها می توانند راهنماهایی باشند برای شکل دادن یا تغییر شکل دادن نهاد های سیاسی، اعمال، اساسنامه ها و سازماندهی های مشخص.

برای استفاده از دموکراسی در ایجاد دولت مردم سالار دموکراتیک نیاز به شش رکن است که حداقل ترین شرایط وجود دموکراسی در یک کشور هستند.

۱. مقامات منتخب: نظارت بر تصمیم گیری های حکومت در اختیار مقاماتی نهاده شده که توسط شهروندان انتخاب می شوند. حکومت های دموکراتیک مبتنی بر نمایندگی هستند. انتخاب نمایندگان عمدتاً در خلال قرون وسطی تحول یافت. یعنی در آن زمان که سلاطین فهمیدند برای وضع مالیات، جمع آوری سپاه و تصویب قوانین ناچارند رضایت نجبا و بعضی از مردم معمولی شهرها و شهرستان های بزرگ تر را که چندان هم معمولی نبودند، جلب نمایند. به طوری که جان استوارت میل در سال



## صیانت از تنوع فرهنگی؛ صیانت از کرامت انسانی

عزت‌الله قلی‌زاده

نشأت می‌گیرد. این دفاع مستلزم داشتن تعهد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به ویژه حقوق اقلیت‌ها و اقوام است. به عبارت دیگر، تنوع فرهنگی زاینده دموکراسی، تساهل و عدالت اجتماعی بوده و در حفظ صلح و امنیت محلی و ملی نقشی بسیار اساسی دارد.

به همان اندازه که تنوع زیستی برای حفاظت محیط زیست الزامی و مهم پنداشته می‌شود، تنوع فرهنگی نیز لازمه و ضرورت حتمی حیات اجتماعی است. برای حفظ تنوع فرهنگی و در نتیجه پویایی فرهنگ جامعه لازم است ضمن فراهم کردن زمینه‌های جریان آزاد عقاید از طریق نوشته و تصویر، تضمین‌های لازم را برای این که فرهنگ‌ها بتوانند آزادانه خود را بیان کرده و بشناسانند، به وجود آورد. آزادی بیان، کثرت‌گرایی رسانه‌ای و امکان برابر دسترسی همه فرهنگ‌ها به ابزار بیان و نشر ضمانت‌های تنوع فرهنگی می‌باشند.

منابع:

هویت، کرامت، فرهنگ و حقوق بشر - کلارنس دایاس، ترجمه رضا علی قلی پور - حقوق بشر، جلد ۵، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۸۹)

نقش رسانه‌ها در دموکراسی فرهنگی جهان معاصر - فائزه توکلی - مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعه فرهنگی - سال اول، شماره اول

## ماندلا هنوز زنده است

عزت‌الله قلی‌زاده

سیاه بودن تنها دلیلی بود که از او انتظار بردگی داشته باشند؛ هم چنان که سیاهان اطرافش نیز برده بودند و بردگی برایشان به عنوان تنها روش حیات بدل شده بود. عده‌ای از این‌ها بردگی را پذیرفته و با آن کنار آمدند، عده‌ای هم که این وضع برایشان قابل هضم نبود چاره‌ای جز قبول آن نداشتند. روزها همچون شب‌هایی تاریک شده بودند و کسی امید بهبود نداشت. چنان که خودش می‌گفت: «مردم ما خیال می‌کنند مبارزه ما برای آزادی مبارزه‌ای پوچ است.» گویی خود سیاهان نیز به این باور رسیده بودند که حقشان از زندگی فقط بردگی است و بس. شاید هم اصلاً با واژه‌ای چون حق آشنا نبودند و این واژه چنان از چشم‌ها و ذهن‌هایشان پنهان نگه داشته شده بود که به طرز عجیبی با آن احساس بیگانگی می‌کردند.

می‌دانست مبارزه برای آزادی هزینه‌های سنگینی دارد. دادن هزینه سنگین برای مبارزه‌ای که همه پوچش می‌پندارند بسیار غیرمعمول می‌نمود، اما او به راهی که برگزیده بود مطمئن بود. تنها پشتوانه اش اراده اش بود؛ اراده‌ای برای رسیدن به آرمانی انسانی. باور داشت انسان چه سفید باشد و چه سیاه، انسان است و این یگانه دلیل برابری است. مانعی که بر سر راهش بود می‌توانست باعث سستی هر اراده‌ای گردد، مانعی آن قدر بزرگ که حتی امروز هم شنیدن نامش لرزه بر اندام خیلی‌ها می‌اندازد: رژیم آپارتاید.

ولی او هم صاحب چنان اراده بزرگی بود که امروز همه دنیا به خاطر مرگش میبهوش شوند؛ تاریک‌ترین شب‌ها را به امید رسیدن به روشن‌ترین روزها بدون یأس پشت سر گذاشت و در حالی که همه او را محبوس تا به ابد می‌دانستند او هم چنان برای رسیدن به برابری و آزادی و کنار رفتن تاریکی‌ها امید داشت. اراده اش چنان محکم بود که به دیگران نیز اعتماد به نفس دهد و راه را برای مبارزه هموار کند. اراده‌ای که پس از دهها سال میله‌های زندان را در هم شکسته و حبس ابد را به آزادی جلودان تبدیل می‌کند و در اسیرترین نقطه جهان آزادی و برابری را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد. آری این اراده بزرگ بود که ستون‌های آپارتاید و تبعیض را به لرزه درآورد.

صاحب این اراده بزرگ آرمانش چنان والا بود که از همه ظلم‌ها در راه رسیدن به این آرمان چشم پوشید و بخشید، ولی هیچ‌گاه آنها را فراموش نکرد. این اراده چنان بزرگ است که مرگ برایش مفهومی نداشته باشد. پس نلسون ماندلای بزرگ هنوز نمرده است و تا زمانی که نژادپرستی و تبعیض ریشه کن نشود آرمان و اراده ماندلا نیز زنده است...

«مبادا که خانه و کاشانه ام بسته باشد و پنجره‌هایش مسدود! بگذار فرهنگ همه ملت‌ها به خانه‌ها مهمان شوند و با من بمانند؛ اما هیچ‌یک مرا با خود نبرد.» مهاتما گاندی

تنوع فرهنگی به عنوان ویژگی ذاتی زندگی بشری، همواره وجود داشته است. حفظ و ارتقای این تنوع به عنوان عاملی برای حفظ هویت افراد، گروه‌ها و ملت‌ها و هم‌چنین عنصری اساسی در توسعه پایدار و حفظ صلح و امنیت حائز اهمیت می‌باشد. همین اهمیت فوق‌العاده سبب انعقاد کنوانسیون‌هایی در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و در راس آن‌ها یونسکو گردیده است. هدف این کنوانسیون‌ها جلوگیری از سلطه یک فرهنگ بر سایر فرهنگ‌ها می‌باشد.

با ظهور و فراگیر شدن وسایل ارتباط جمعی نظیر روزنامه، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... و همراه با آن توسعه امکانات و محیط‌های آموزشی، یقیناً فرهنگ‌ها و زبان‌هایی که نتوانند به این عرصه وسیع و حیاتی راه یابند، ناگزیر با خطر نابودی مواجه خواهند بود. این امر سبب بروز نگرانی‌های جدی در بین جوامع مختلف - مخصوصاً در جوامعی که دولت برنامه‌های جدی و منظمی برای صیانت از همه زبان‌ها و فرهنگ‌های موجود در جامعه ندارد - گردیده است.

تنوع فرهنگی در بیشتر کشورها به دلیل تنگ‌نظری‌ها و سیاست‌های نادرست و اقتدارگرایی، با چالش‌ها و خطرات بسیار جدی مواجه گشته است. نمود این تراژدی را می‌توان در اکثر کشورهای جهان سوم ملاحظه کرد. طی سده گذشته در بیشتر این کشورها، مدیریت دولتی در خصوص روابط قومی، از رویه‌ها و سیاست‌های یکسان‌سازی نظام مند، تبعیض، عدم توجه، دخل و تصرف تا رویه‌ها و سیاست‌های نظامی‌گری، پاکسازی قومی و نسل‌کشی قومی متغیر بوده است.

وحدت زبان در این کشورها و تحت تسلط قرار گرفتن فضای ارتباطی، رسانه‌ای و آموزشی به وسیله یک زبان، سایر زبان‌ها را به شدت تضعیف کرده و سبب نفوذ و اشباع فرهنگی توسط فرهنگ و زبان غالب می‌شود. ادامه این روند نامطلوب موجبات تاثیرپذیری بیش از حد فرهنگ‌های محلی و نابودی تدریجی آن‌ها را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی ظهور بحران‌های هویتی عمیق در لایه‌های مختلف جامعه، دور از ذهن نیست.

در کشورهای با تنوع فرهنگی و قومی، مسئله هویت ملی به عنوان عامل اصلی انسجام سیاسی و اجتماعی مطرح است. تعدادی از این کشورها می‌کوشند با استفاده از ابزارهایی چون زبان و ادبیات واحد نوعی احساس تعلق ملی و حافظه تاریخی جمعی مشترک به وجود آورند. ولی همواره این سؤال مطرح بوده که برای شکل‌گیری دولت مدرن صرفاً باید از رواج تک‌زبانی حمایت کرد؟ و یا این که می‌توان به هویت‌های متعدد قومی فرصت و امکان شرکت فعالانه و برابر در شکل‌دهی هویت ملی داد؟

انسجام ملی با سرکوب، حذف، سانسور و تلاش برای نابودی هویت‌های چندگانه یک کشور به دست نمی‌آید، بلکه احترام به کرامت و حقوق همه افراد و کمک به بالندگی و پیوند هویت‌های چندگانه درون جامعه نقطه آغاز شکل‌گیری انسجام ملی است. به عبارت دیگر انسجام ملی حاصل پیوند چندگانگی‌ها به یکدیگر است و نه نابود کردن چندگانگی و کثرت به منظور رسیدن به سراب چهره‌ای واحد.

طبق گفته گاندی، هیچ فرهنگی با انحصارگرایی نمی‌تواند به حیات خویش ادامه دهد؛ سیاست انحصارگرایی فرهنگی و زبانی به سیاستی منسوخ و منتهی به شکست تبدیل شده است. بنابراین با رویکردی مردم‌سالارانه توأم با احترام به کرامت انسانی می‌توان به جامعه‌ای پویا و چند فرهنگی رسید. پذیرش و به رسمیت شناختن پدیده چند فرهنگی ما را به شناسایی و گرامی‌داشتن «دیگران» درست همان گونه که هستند، دعوت می‌کند.

حکومت‌های مردم‌سالار با تبدیل شدن روزافزون به یک حکومت فراگیرتر به نیازها و چالش‌های مربوط به تنوع قومی و فرهنگی و تکثرگرایی پاسخ می‌دهند. این حکومت‌ها ضمن احترام به تمامی فرهنگ‌ها و اقوام و حقوق آنها، تنوع فرهنگی و زبانی را همچون گنجی گران‌بها - و نه هم‌چون سمی مهلک - می‌پسندارند که پایستی در کنار حفاظت و صیانت به فکر پرورش آن نیز بود.

دفاع از تنوع فرهنگی به عنوان یک الزام اخلاقی، از احترام به کرامت و منزلت انسانی



۴۵۹ اونجو ایله، پیروزو ساسانیلارین خاقانلیغینا قوبود. آنجاق بو پیروز شاه ۴۸۴ اونجو ایله، یارامزلیغی اوزوندن، هون لاری ایله یئینیلیب (مغلوب اولوب) اولدورولدو. دئمک بو ساواشدا هون لار ساسانیلاری یئندیلر (مغلوب اتدیلر)، سونوندا ساسانیلار تورک لره باج و ثرمک زوروندا قالدیلار.

قایناق لار:

- تورک تاریخی، دکتر جواد هئیت.  
- دیل و ادبیات، علی تبریزی.

### بازگرداندن نام تورکی برخی از خیابان های شهر اورمیه

کلان شهر اورمیه از کهن ترین سکونتگاه های تورکان آذربایجانی که لقب پایتخت فرهنگی آذربایجان را نیز با خود به یدک میکشد، هم چون سایر مناطق آذربایجان و مناطق ترک نشین ایران تحت تاثیر سیاست های قومیت گرایانه ی بر جای مانده از رژیم آپارتایدی پهلوی، در طول چند سال اخیر با بی مهری های فراوانی از سوی نهاد های محلی هم چون شورای اسلامی شهر و نهادهای ملی در رابطه با نام های تاریخی و تورکی خیابان ها، محلات و مناطق خویش رو به رو بوده است و تقریباً تمامی اسامی تاریخی موجود در این شهر که نشأت گرفته از فرهنگ غنی آذربایجانی و زبان چندین هزارساله ی آن یعنی تورکی میباشند، یکی و به بهانه های واهی حذف و نام های جدید و بی معنی فارسی جایگزین آن ها شده که این امر سبب به خطر افتادن هویت دیرین آذربایجانی این شهر و مردمانش شده است، چرا که نام ها و اسامی تاریخی و کهن هر منطقه و شهری سند و گواهی حاضر و آشکار از هویت و تاریخ آن منطقه یا شهر بوده و پرده از واقعیات تاریخی پنهان برداشته و از ریشه و اصلیت آن ناحیه در برابر تحریفات و دروغ پردازی های تاریخی جلوگیری به عمل می آوردند.

چندی پیش و در همین راستا از سوی برخی منابع غیر رسمی خبری مبنی بر تصمیم شورای اسلامی شهر اورمیه جهت برگرداندن اسامی تورکی برخی از خیابان های اورمیه در محافل عمومی منتشر شده و امید ها را برای حل این معضل اساسی زنده کرد. مطابق با این خبرها شورای اسلامی شهر با تصویب مصوبه ای نام های فارسی و جدید خیابان های هفت آسیاب، نه پله، پل شهید بهشتی و خیابان آب را به ترتیب به نام های تورکی و ریشه دار "یئددی دیرمان، دوققوز ییله، قویون کورپوسو و سو" تغییر داده و به زودی این تغییرات را در تابلو های این خیابان ها اعمال خواهد کرد.

این خبر هنوز به صورت رسمی از سوی شورای اسلامی شهر اورمیه اعلام نشده و در حد شایعه باقی مانده است کما اینکه تا به اکنون هیچ گونه تغییری در تابلو های این خیابان ها اعمال نشده و هم چنان نام های تحریف شده ی فارسی بر روی این تابلو ها خودنمایی میکنند.

البته لازم به ذکر است با وجود عدم تایید این خبر توسط شورای ها، صحبتی نیز در باب تکذیب آن از سوی این نهاد ارائه نشده و احتمال صحت آن دور از انتظار نیست. بی شک آرزوی هر آذربایجانی این است که روزی مسئولین به این واقعیت پی ببرند که تلاش برای احیای هویت آذربایجانی اورمیه کاری بس والا و ارزشمند میباشد و امروز زمان آن فرا رسیده است تا دیگر ایران عزیزمان را از افکار فاشیستی رضا شاه ملمون و دنباله روان کنونی وی پاک کرده و با احترام نهادن به قومیت های مختلف کشور و ارزش نهادن به هویت، تاریخ، زبان و فرهنگ بومی آنان ایرانی متحد به دور از هر گونه دغدغه قومیتی داشته باشیم.



اورمیه - قویون کورپوسو

دوغوش (میلاد) دان اؤنجه آتای داغلاری یائیندا اولان «تومان» و اونون اوغلو «مته» خان یوخسا موتون» ایلیک هون ایلیخانلیغی دؤنمیندن، اؤته یی گؤز آتینا آلاق بوتون دونیائین دؤردبیر بوجاغیندا تورکون بوجهلیک و عظمتینی هابئله خاقانلیغینی آیدینجاسینا گؤره ییلیریک، نیه کی عجملرینکی کیمی گوج ایله و باسما بیر دورومدا یوکله نیلمسکده دئییل.

هون لارین کیملیگی، کتچمیشده چوخلو دارتیشلمیشدیر (بحث اولونموشدور)، کیمیلری اونلاری تورک، کیمیلری موغول و کیمی لری موغول- تورک ییلیردیلر. آنجاق آپاریلیمیش سون ارشادیرمالار و تحقیق لر اونلارین بوتؤلولوکه تورک اولدوغونو بللی ائتمیشدیر.

ج.مارکورت (۱۹۳۰)، پ.بئلیتو (۱۹۲۰)، او.فیرانک (۱۹۳۰)، گ.نمت (۱۹۳۰)، رنه گروسه (۱۹۴۱)، و.ابرهارد (۱۹۴۲)، ج.کلاوزن و ... هون لارین دیل، اونبار و دیلرینی گؤزه آلاق تورک اولدوقلارینی بللندیرمیشدیلر. هون سؤزجو یو اسکی تورکجه ده اولوس یوخسا بوی و ائل آنلامیندا گلیمشیدیر.

هون لار اوچ یانا بؤلونورلر: ۱) آسیا هون لاری ۲) اوروپا هون لاری ۳) آغ هون لار.

۱. آسیا هون لاری: آسیا هون لاری نین آنا یوردو ایندیکی موغولستانداکی اورخون- سئلنگا جایلارین دؤره سی و قارقاولا اورودوس آراسیدیر، بئله لیکله هله ده اورادا تورکلر یاشاییلار. هون لارا اسکی تورکلرده دئییلیر.

کتچمیشده هون تورکلری نین چوخ گوجلو ایلیخانلیق لاری هابئله اورولاری اولموشدور، بئله کی ایکی یوز اون دؤرد (۲۱۴) ایل دوغوشدان اؤنجه چین دؤولتی هون تورکلری نین قورخوسوندان و قاباقلاریندا دایانا بیلسین دئییه اولان چین دووارینی چکدیرمیشدیر. اوجالیغی ۱۵ متر، اننی ۹ متر و اوزونلغو ۱۸۴۵ کیلومتر اولان بو دووار بئکه نین یئتمیش بش کیلومتر لیغینده تیکیلیدیر.

ایکی یوز دوققوز (۲۰۹) ایل دوغوشدان اؤنجه مته خان، آتاسی تومان یئرینده اوتوراراق اؤزونو تاهو، دئمک ایلیخان تائیندی و بایکال گولو ایله ایرتیش چایی آراسینداکی بوتون گونئی سیبری چؤل لرینی آلاق توم تورک ائل لرینی بیر بایراق آلتینا گتیریب بیرلشدیرمیشدیر. او چاغدا موغول لار، تونقوز لار و تبتی لرده مته خان بو یوروغوندا ییدیلار.

۲. اوروپا هون لاری: آسیا هون لاری سویندان (نژاد=SOY) اولان اوروپا یوخسا باتی هون لاری دوغوش ایلی نین اوچ یوز الی سینده (۳۵۰) باتی یا دوغو کوچدولر. بو تورکلر ایلیک اؤنجه آن بؤلگه سین (خزر دینزی ایله آزال گولو آراسینی) اله کئچیردیلر. سونرا ۲۵۵-۳۶۵ ایل لر آراسی خزر دینزی نین قوزئیینه گریب، وولگا چاییندان کئچهرک قارادینیز قوزئیینه یئتیشدیلر. بوردا دوغو گوت لاری یئنه رک باتی گوت لارینی گئری قاییتماق زوروندا قوبدولار، بو کوچوش گله جکده اوروپا یا اولان بویوک کؤچوشلرین باشلانغیجی اولدو. هون قوشونو ۳۹۵ ایلینده قافقازدان آنادولویا گریب شهرلری بیر- بیر آلاق سوریه یهدک ایره لی گئتدیلر.

۴۳۴ اونجو ایله هون لارین «روا» خاقانی اولدیوننده، قارداشی مونجوغون قیرخ یاشلی اوغلو «آتیل» اونون یئرینه اوتوردو. آتیل هون تورکلری نین ان اورکلی باشبوغو و بویوک خاقانی، اؤزوندن اؤنجه هئج دولومامیش بیر گوج ایله اوروپائین بیر چوخ اولکه لرینه هابئله بوتؤو آلمانیا بؤلگه سینیه یییه دوردو. آتیل اؤز خاقانلیغیندا، بیر چوخ تورک ائل لرینی (هون لار، اوغورلار، بیئش اوغورلار، آلتی اوغورلار، اون اوغورلار، سب اوغورلار، آکاتیرلار، ساییرلار) بیر بایراق آلتینا گتیرمیشدیر، کی قوشونونون یاریسی هون تورکلری ایمیش. آنجاق تورکلردن باشقا ژرمن لر، ایسلولار، آلان لار، سارمات لار و قین لرده آتیل بو یوروغو ائتیندایمیشلار.

بیزانس و روم ایلیخانلیق لارینی دؤنه لرجه دیزه چؤکدورن آتیل «تانی نین قیلینجی» آدلانمیشدیر، بو ایلیخان لارین، چوخ باج- خراج و ثرکیسی ایله یالواریشی آتیلانی دها ایره لی گلکدن واز کئچیریدی. (۴۳۲، ۴۴۷، ۴۴۱ دوغوش ایلی).

آتیل روم ایلیخانینی دیزه چؤکدور دوکن اوچ ایل سونرا تویونون ایلیک گئجه سینده آغیز و بورونوندان قان گلهرک دونیاسینی دییشمیشدیر. آتیل خاقانین «آریق قان خاتون» دان اولان ایلیک، دنگیزک (دنیز) و ایرنک آلی اوچ اوغلو اولدیونندن سونرا یئرینه اوتوردولار. آنجاق بو اوچ اوغول آتیلانی آتیلانین یئرینی اوچور کی گرک دولدورانمایدیلار.

۳. آغ هون لار: آغ هون لار ۳۵۰ اینجی ایله، ایلیک اؤنجه قازاقستانین گونئی سوئادا افغانیستانا ایرائین دوغوسونا ایلغار گتیردیلر. هون تورکلری، اوچونجو یزدگرد دؤرونده ایران ایچ ایشلرینه قاریشماق ایسته دیلر. بونون آردیندا گون خان- هون لارین خاقانی





وطن ساغ اولسون

بیر آن ایاق اوسته دوروب، نجه آدیم اتماق دۆر ایل ایدی اونا حسرت اولموشدو. هر ایشین اتا- انا یاردیمی ایله ائدیردی. دۆر ایل بوندان اؤنجه ایزین بیر اربا با توقوشماسیندا ایکی ایغی سینیب بلی ده اغیر ضربه گورموشدو. امام رضا زیارتیه گنده ده، «یا امام رضا منه شفا وثر، دوزه لیم و تورپاقلاریمی دشمن الیندن قورتارماق اوچون قاراباغ ساواشینا گئدیم» دئمیشدی. یازیق اناسی ایله اناسی الیندن گئنی، ایز اوچون اسیرگه مه میشدیلر. ایز اولارین بیرینجیک اوشاقلاری ایدی، ان اوزمان دوکتورلر، ان اهالی و سوراتلی خسته خانلار ایزین قوللوقوندا اولموشدولار. اناسی اولرینده ساتیب، اولغونون درمانیا خرجه میشدی، اناسی ایسه بوتون قیزیلارین. دوکتورلار یواش- یواش ایزین ساغالماسینا اومودلانیردیلر. ایز نمازدان سونرا ساعتلارچا قوران اوخویوب تازیبسیلا مناجات ائدردی...

بالا- بالا ایقلاری اوستونده بول گتمه بی باجرا بیلیمشدی. سئوینجیندن نه اتدیینی بیلمه ییردی و «باشام بو، اتا- انا سیزه بورجولیم -» دئیردی. ایز ارزوسونا یئتیشمیشدی و بیر داها ساغلاملیغینی اله الیمشدی. عسگرلیه گتمه بی دوشونوردو و عمی سی اوغلو ایدینلا بیرلکده عسگر گتمه بیه قارلاشمیشدیلار. ایدین عسگرلیک واختی ایدی و ایزین دا خسته اولدوغونا گۆره عسگرلیکدن ایکی ایل کئچمیشدی. ایکیسینده اتا- اناسی اولارلی یولا سالماغا گلمیشدیلر. اوتوبوس گلمیشدی و وطن اولاداری بیر- بیر اتا- انالاری ایله ساغ اولاشیب اوتوبوسا مینیردیلر. ایزین اتا- اناسی اولدان ایریلا بیلمه ییردیلر. آخی اولارین اذیریب- بئجریکلری ائله بو بیردانا اوشاق ایدی، آنجاق نه ایله مک؟ هر اولادا وطن اوچون قوللوق ائتمک بورجودور...

بولدا، ایز اوتوبوسون پنجه سیندن یوللارین گۆزلیغینه باخیب دوشونوردو. ایدین ایسه، یانینداکی اوغلان ایله دانیشیردی. آخسام اوستو ایدی. گونش باکی ایله ساغ اولاشیردی. اوتوبوس پادگانا یئتیشدیکده عسگرلری اچهری اباردیلار...

... ایکی آی اؤیره تیم چوخ تئزلیکله سونا چاتدی و عسگرلرین چوخو قاراباغا یاخین پادگانلارا یوللانیدیلر. ایز ایله ایدین بیر یئره دوشدولر. گونلر چوخ هیزلی گئدیردی و انا تورپاغا قوللوق ائتمک اولارلی یورموردو. آخساملاری دشمن یاخین کندله آتش اچیب اورداکی سلاحسز اکینجیلری قورخویا سالیردی. ایز ایله ایدین او آتشی خطین ان یاخینیدا ایدیلر. هر گون باشقا سلاحداشلاری ایله بیرلیکده کئشیک دورودولار...

گونش داغلارین باشیندان عسگرلره سلام وئره- وئره گۆیه یوکسلیردی. کندلرین بیر قاجا- قاجا پادگانا یاخینلاشیردی. ایدین: «دایان، دایان! سنینله یم... دایان! -» دئیب، کیشی دایاندی و «یوزباشینی گۆرمک ایسته یرم -» دئدی! ایدین تئز یاخینلاردا اولان عسگرلرین بیرینه دئدی. اودا یوزباشینی چاغیردی. سانکی بیر وای خبری گئیرلر کیمی باشینا چالیب آغلایردی. یوز باشی عسگرلره قایینی اچین اچیری گلین بو یوروق ائندی، کیشی آغلا- آغلا یا اچهری گلیب، ساین یوزباشی، بالام، کندیلر و ... دوشمنلر هامیسین قیرییلار و یئنه باش گۆزونو دؤیدو. «کئجه یاریسی چوخ سایدا ائرمی کنده یوروش کچیک بوتون کندیلرلی شهید ائدیلم، من ایسه او کئجه یولداشم گیلین کندلرینده ایشیم واریدی و اوردا قالدیغیم اوچون ساغ- سالامات قالمیشام. کاش قالما یایدیم.» دئدی. بوتون پادگانلی کدر یاسدی و هامی سس سیز اؤز ایشینده ایدی. بعضی لری ایسه گۆز لرینین یاشلارین ساخالیا بیلمه ییردی. یوزباشی بو آجی خبری تئز مرکز وئریب، نجه عسگرلر بیرلیکده سالدیری اولان کنده گئتدیلم، ایزدا گئندلرین ایشینده ایدی و از قالیردی اوره بی پارتلایب یئریندن چیخسین و آجی یاخیشلارلا بولگه یه باخیردی...

تاریم، سن یاراتدیغین اشرف مخلوقات بولار دیلارمی؟! انساندا بو قدر یانالیق (وحشیت) می وار؟ یئره گۆیه آتشلر اچمیش، قورشونلار وورولموشدولار. کۆره، قوجا، قاری، گنج و ... هامینی اولدورموشدولر. شهیدلری قویلایب، عسگرلر ایسه غم اچیننده عسگر ائینینه قایتیدیلر. هامی اوره یینده، کاش اوردا اولوب دشمنی قیرایدیم دئیردی، آنجاق نه فایدا...

آخسام اوستو گونش داغلارا سرمیش قیزیل و پارلاق ساچلارینی گوتوروب ابارماغا چابالایردی، ایز کئشیکدن بو آخار- باخاری ایزله ییردی. بو انلار ایز اوچون ان گۆزل چاغ ساییلیردی. بیر ایزدان یوزباشی عسگرلری بیر یئره ییغیب دانیشماق اوچون سسله دی، «ساین عسگرلر و وطنین قوجاق ایگیلری، مرکزین دئدیینه گۆره و الیمیزه یئتیش خیرله گۆره دشمن صاباح کئجه چیچکلی کندینه هجوم کچه جک -» دئیب، ییزده گنده چه بیک آرتیردی. عسگرلر هامیسی هارای کچیک بیر خوشخت انسان کیمی آتلیب بیر- بیرلرینی باغریلارینا باسدیلار. ایز، ایدینا ایسته دبییم چاغ چاتیب و انتقام واختیدی- دئدی...

سحر چاغی ایدی و یاخین کندلردن گۆزل اذان سسی، عطرینی گۆلره سپه له ییردی، ایز باشقا عسگرلره تای نمازین قیلیب توفگین و باشقا اراجلارین حاضرلاما قایدی. نجه ساعتان سونرا چیچکلی یه دوغرو یورویه جکدیلم...

ساعات ۱۲ اولموشدو و گونش گۆزل یاز هوا سسیلا بیرلیکده دوغایا حکومت ائدیردی. کندین اهالیسی اوزاقدان عسگرلری گۆزوی سئویدیلر. عسگرلر ساواش اربالارلا کنده یئتیشدیلر. یوزباشی هر کیمسه نین هاردا اولدوغونو گۆسترب، کندین کیشی لری ایله بیرلیکده، کندین آغ ساقالینن ائوینه ییغیدیلار. اوشاقلار ایله قادینلار بیر آرخین سیغیناغا اباریلدیلار...

اوج گون ایدی عسگرلر کنده ایدیلر و دشمن کنده گلسمه میشدی. آغ ساقاللارین ایسته یینه گۆره عسگرلر بو کئجه نی ده قالمیش اولدولار. کئجه ساعات ایکی ایدی و ایز ایله ایدین ایکیسی ده بیر یئره دوروب اویان- بویانا باخیدیلار. ایز، ایدینا ائله بیل او تبه دن بیر شئیلر اشاغی دوشور- دئدی. ایدین دا سرعته اورا یا باخدی، آنجاق بیزاز گۆرمه دی. ایز دقتله بیرده باخندا دشمن عسگرلرینن کیملیک بویون پارلاماسینی گۆروب تئز یوزباشیا خبر وئردیلر...

هامی تئز و سس سیز حاضر اولدولار. یوزباشی عسگرلره، من نده نده آتش اچین دئیب، اؤز یئرینه گئندی...

آتش اچین! قورشون سسی قولقلاری دلیردی. دشمن چوخ یاخینلار چاتمیشدی و اؤزلرین تابانا نجه نفرلری هلاک اولدو و باشقلاری قاپالار آرخاسیندا گئزیدیلر. نجه ساعات ایدی آتیشما دوام ائدیردی و ایدین ایله ایز بیر- بیره یاردیم ائدیلمه دشمنه قورشون اچیردیلر و چوخلارین دا بونلر هلاک ائدیلم... دشمن بونو ائلامیشدی و چالیشیردی او اچینی (زاویه نی) باغلاسن... و ایز وورولدو...

ایزین هارایی یئر- گۆبو سوکه- سوکه کنده داغیلدی. قان آخار بولاق کیمی ایزین بدنیندن یئره آخیردی. ایدین تئز ایزای باغرینا آلیب مداوا اوچون عسگرلره گلن دوکتورون چادیرینا اباردی. اولارین یئرینه ایکی نفر باشقا عسگر کچیب یئنه دشمنی آتسه باغلا دیلار... قان چادیری دولدورموشدو و ایدین آغلایردی. ایز با ییلیمیشدی و نجه دیقه دن سونرا بیله سینی اربایا میندیریب خسته خانایا داشیدیلار. ایدین ایسه اونلا بیرلیکده گئندی. بولدا ایدین، ایزا «گۆزلرینی قاپاتما، ایدنی یئتیشیریک -» دئیردی. ایز، سونوندا آرزوما یئتیریب وطنه بیر لایق اوغول اولدوم دئیردی. ایدین ایسه گۆزلرین یوموب آغلاما قایدی...

تلسیزدن یوزباشینن سسی گلدی. عسگر! عسگر! ایدین گیلی سسله ییردی. ایدین تئز جوابین وئردی و بو یور کوماندام دئدی. عسگر، ایز نه دورومدا! دئدی و ایدین، حالی خوش دئیب یوزباشیم، امما نفس کچیک دئدی. یوزباشی اوجا سسله باغیریب دئدی: ایز، اوغولما! سن یاشامالیسان. سیزین جانان کئجه لرینیزله دشمنی هلاک ائتدیک و بوتون کندیلر قورودوق. ایزین گۆزو دولوب، گۆز یاشلاری اوزوندن آخماغا باشلادی. اوره یینده تاریبا شوکور ائدی، گولومسندی. سونرا ایدینا باخیب دئدی: «اناما دی، منه آغلاماسین و اوغولن قوجاق بیر اوغول کیمی، وطن یولوندا جانان کئچدی. وطن ساغ اولسون سوئله.» او اندا ایدین تئز اوزوندن او یوب، سن یاشامالیسان دئدی. ایز گولومسه سین یوزمایراق قوجاق ایگیلر کیمی گۆزلرین بونیا یومدو.

سونگی یولچولاری کیتابیندان

یازار: حسین واحدی

یاز یابین ائوی

دیلمیزده کی هیجلا

سعید رهگوی

هیجا ندیر؟

بیر سس لی (صوت) بیچیک (ایمجه، حرف) یا نجه سس سیز (صامت) بیچیکدن قورولور (تشکیل تاپیر) و ۵ حیصه دن عیبارت دیر:

۱. قیسا هیجا:

بو هیجا یالتیز بیر سس لی بیچیکدن قورولور.

اؤرنک (نمونه): او (O, A) ...

۲. آچیق هیجا:

بیر سس سیز بیچیک و بیر سس لی بیچیک دن قورولور.

آچیق هیجادا سس سیز بیچیک سس لی دن اؤنجه (اول) گلیر.

اؤرنک: یا (ya), سو (su), بو (bu) ...

۳. باغلی هیجا:

بیر سس لی بیچیک و بیر سس سیز بیچیک دن قورولور.

باغلی هیجادا اؤنجه سس لی بیچیک گلیر، سونرا سس سیز بیچیک.

اؤرنک: اوت (ot), ات (at), اون (on) ...

۴. بؤیوک هیجا:

بیر سس سیز، بیر سس لی و بیرده سس سیز بیچیک دن قورولور.

دمک بو هیجادا اوج بیچیک وار: اؤنجه سس سیز بیچیک گلیر، سونرا سس لی و اوندان سونرادا یئنه سس سیز گلیر.

اؤرنک: ساز (saz), یاز (yaz), قاز (qaz), بوز (buz) ...

۵. اوزون هیجا:

بیر سس سیز و بیر سس لی و ایکی سس سیز بیچیک دن قورولور.



## رقص آذربایجان - یاللی

توحید مقنی

یکی از رقص های قدیمی و فولکلور آذربایجان است که هم برای رقاصان و هم برای تماشاگران بسیار جذاب می باشد. در مناطقی از آذربایجان به این رقص «جالمان» نیز گفته میشود.

یاللی به تنهایی شامل انواع رقصهاست که هر رقص آن آهنگ مخصوص به خود را دارد که اکثراً این آهنگها از ریتم آرام شروع شده و در آخر با ریتم سریع به اتمام می رسد.

رقص یاللی مجموعه یا ترکیبی از حرکات معین می باشد که به صورت ریتمیک و خوش آهنگ می باشد. این رقص ابتدا با حرکات آرام و ساده شروع می شود و در ادامه به حرکات سریع، پیچیده و زیباتر ختم می شود که تکنیک مخصوص خودش را دارد و اجرای مرحله آخر، تمرین و مهارت زیادی را می طلبد.

معمولاً افراد مسن و ریش سفید در حرکات آرام و سنگین و جوانان در ریتم های سریع یاللی شرکت می کنند.

کیفیت حرکات یاللی به گونه ای است که نظم خاصی را می طلبد چرا که اجرای منظم و هماهنگ با ریتم حرکات باعث زیبا تر شدن این رقص می شود.

به سر گروه یاللی که «یاللی باشی» گفته می شود؛ مهارت و تجربه ی خاصی دارد که یاللی باشی ها حرفه ای ترین رقاصهای یاللی هستند. «یاللی باشی» چوب به دست، نی به دست و یا دستمال به دست به سان یک حاکم، گروه را هدایت می کند. در مناطق مختلف آذربایجان به سرگروه یاللی عناوین مختلفی از جمله: رقاص باشی، جنگی باشی، هالای باشی، ائل باشی، توی باشی، توی بی و... نیز گفته می شود.



یاللی، جذاب ترین رقص آذربایجان است. هنرمندان زیادی یاللی را در آثار خود وارد کرده اند؛ من الجمله اثر «کوراولو» اوزنیر حاجی بی اوف، اوپراهای «آزاد» جهانگیر جهانگیراوف و «گولشن» سلطان حاجی بی اوف.

شکل اولیه این رقص و تغییرات بعدی آن تاریخ شناسان و هنرمندان را مجذوب خود کرده است. موردی که خیلی به واقعیت نزدیک می نماید این که یاللی به شکل اولیه و ابتدایی خود در اطراف شعله آتش - به عنوان منبع نور و گرما - و به صورت جشن و مراسم بوده است. تعبیر دیگر این که «یال» به دامنه کوه هم گفته می شود. این فرضیه از همه جالبتر و شاید به حقیقت هم نزدیکتر باشد. این حالت را در ایجاد زنجیری برای تعقیب کردن به منظور شکار صید، شاهد هستیم. شکارچی ها به صورت ردیف ردیف قرار گرفته، دست به دست هم داده، یکی از دیگری اندکی با فاصله قرار می گیرد تا حالتی برای تعقیب شکار به وجود آورد. چون حیوان به سرعت می دود و فرار می کند، بدین ترتیب شکارچی های دوران ابتدایی صید را به سمت «یال» و یا دامنه کوه می کشاندند تا شکار آن آسان شود. و بعد از شکار آن در همان «یال» کوه به شادی می پرداختند. پس بدین ترتیب می توان این گونه نتیجه گرفت که اساس معنای «یاللی» را تعقیب صید و شکار آن تشکیل می دهد. در منطقه قوبوستان هم وجود مناطق هموار و صاف همراه با کوه های سنگی برای این کار شکارچی ها منطقه ای مناسب بوده و دلیلی برای مدعای ذکر شده است. وجود عکس گاو در تصاویر پیدا شده در قوبوستان هم دلیل محکمتر دیگری برای این نظریه است. در این عکس ها همراه با این گاو، عکس افرادی که به صورت یاللی می رقصند هم موجود است.

قاینق: آذربایجان اوبون لاری - کمال حسن اف



یاغیش آلتیندا سن توتابیلدیگین دامجیلارچا سنوسن منی، من توتابیلمه دیگیم دامجیلارچا سنویرم سنی!

حییمه باخدیم هئچنه تا مادیم، چانتاما باخدیم آرجا پول تاپدیم، اوره ییمه باخدیم سن کیمی ایستکلی بیر یولداش تاپدیم و اای من نه قدر وارلییام ...

بیز ایکیمیزده یارپاق اولساق بئله؛ گوز (güz-payız) بؤلومونده سندن تئز یئره دوشه جم، سن دوشنده سنی اؤز قوجاغیما آلیم دئییه!

یولداشلیق بیر یاش سیمان اوسته دایانماغا بنزر، قالارسان باتیب برکییه رسن، گئدرسن آباق ایزین سونسوزادک (ابدی) قالمالیدیر!

یاشاماق یانماقدیر، یاناسان گرک! یاشامین آنلامی بالنیز اوندادیر، شمع یانمیرسا یاشامیر، دئمک اونوندا یاشامی یانماغیندادیر!!!

سن بیر یانا دور، سنین سنودیکلرینی بئله؛ تورکو، آذربایجانی، آرازی، تبریزی، باکینی، ساوالانی، سهنیدی بوتون داغلاری و داغلاردا چنی سنویرم، چونکو سنی سنویرم!

دنیاز دریندیر دورولماز، یولداشلیق ابدی دیر اونودولماز...

سنومک "سنی سنویرم" دئمک دئییل، سنی سنویرم دنیازکن تیتره مک دیر!

سنومک هئچ شئیدیر، سنویلکم بیر شئیدیر، سنویلکم هر شئی.

اؤزله مک گؤزل شئیدیر، اؤزله بیرسه اؤزله نن!

گؤزله مک گؤزل شئیدیر، گؤزله بیرسه گؤزله نن!

و سنومک گؤزل شئیدیر، سنویرسه سنویلن!

هرگون آغلاپیرام کی گؤز یاشلاریمما قاریشیب اوره بیمدن چیخاسان، اما ندنسه گؤز یاشلاریم اوره بیمه آخیر!!!



گلمیشم

ای قریب مملکت، ای قوریت دییار،  
دئمه یوللاریمی آزیب گلمیشم  
آلنیمانه یازیب، آلاهییم بیلر  
من اوز داستانیمی یازیب گلمیشم  
کۆکوم چیچکلریم تاغیم اوردادی  
من بوردا خسته یم ساغیم اوردادی  
قایالی، بولاغلی داغیم اوردادی  
داملايام قیادان سیزیب گلمیشم  
اوزون بیل اوزگه یه بیلدیرمه منی  
آغلادا آغلادا گولدورمه منی  
سن الله قوریت ده اولدورمه منی  
وطنده قبریمی قازیب گلمیشم

زلیم خان یعقوب

گل بوتونلت منی گل هوپ منه آزلانمادایام  
بوروشوق ماوی جیگیم هوپ! یارامازلانمادایام  
دالیبان یایلغینین ساپ ساری سولغونلوغونا  
”آی صمد سندن ایراق“ چوخدان، آرازلانمادایام  
یام- یاشیل تئل هورولور سسلی جه سنسزلیگیمه  
آند اولابارماغینا ”آستاجا“ سازلانمادایام  
بشله تکلنمه دهیم گنت- گنده سنسز ائله بیل  
قاراباغ مسجدی ایچره جنمازلانمادایام  
باخدیغین آینادا، گۆز ایزلرینه قالدی چارام  
من بوغاز گوزگولرین نسلینه نازلانمادایام  
صوبحه دوغرو داشیییر، سن بویالی بایراغیمی  
گولله لنمیش دوه، بوینوندا قوتازلانمادایام  
یاندی قیندی دئییلیم شاختایا اومسوق جوجه جیم  
ایه! یالینز سنه اووماجلیجا یازلانمادایام  
گل سوزول شعریمه، مئهلن خیالیمدا قورخما  
من قیلینج آلمیش اله سنده آیازلانمادایام  
آتیا کیشی زاده

هله چاپ اولمایان کیتابلاریمدا،  
سنی آغلادیم میصرع- میصرع.  
هله یوزولمایان کابوسلاریمدا،  
سنی سنودیم یاتاق- یاتاق.  
وهله سالینمایان شه هرلرده،  
سنی آرادیم بازار- بازار.  
هانى؟ هایانداسان ائی یار!

کیان خیاو

یاز گنجه سی

نه چیچک وئرمه یه بیر کسیمیز وار  
نه بیر کیمسه میز وار چیچک اوماغا ...  
درسم گول لرینی بو گلن یازین  
ساللانیب یئلن سم بوداق لاریندان  
انشیتسم آدیمی سنون بیر قیزین  
هله اوپولمه میش دوداق لاریندان  
بو یاز گنجه سینده اولمه یه نه وار!؟

رامیز روشن

گل تانرینی یاری بۆلک  
ایستی بیر آل چۆره یی تک  
بیر پارچاسی سنده قالسین  
پارچاسیندا، اؤکسوز اوشاقلارا وئره ک.  
گل دونیانی ایکی بۆلک  
حاقلی دده مالیمیز تک  
گۆز للیک لر سنین اولسون  
پیسلیک لری، پاخیللارا پای گۆنده رک.  
سنوگینی گل بؤلوشدورک  
بیر قیرمیزی آلما کیمی  
گوله- گوله بیر دیش سن وور  
بیر دیش ده من.  
یوخ... یوخ...  
سنی بؤلنمرم  
تانری ایله ده...  
دونیا ایله ده...  
سنوگی ایله ده...  
سنینله ده...  
سن  
بوتؤلوک له منیمکی سن  
بیر تک منیم...

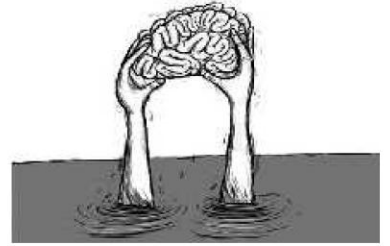


## کتاب تانیمی



این کتاب ثمره چهل سال تحقیق استاد درباره بطلان فرضیه ی «زبان آذری یا زبان باستان آذربایگان» اثر سید احمد کسروی میباشد. در فصلی از این کتاب، استاد درباره حدود سرزمین آذربایجان با استناد به منابع عربی، تورکی و فارسی بحث میکند، و سپس تعریفهای متعدد از کلمه ی آذری را به دست میدهد و روشن میکند که: اصل معنای این کلمه منسوب به قوم باستانی تورک «آذ» است که در سرزمین آذربایجان سکونت داشتند. و با مستندات علمی اثبات میکند که زبانی با نام آذری هیچگاه در این منطقه وجود نداشته است که هم‌ریشه با گویش پهلوی باشد و فرضیه کسروی هنوز اثبات نشده و تا کنون هیچ کس نتوانسته است حتی یک ضرب المثل منسوب به این زبان فرضی و جعلی پیدا کند. و در انتهای کتاب مقاله ای را که کسروی در پشیمانی از پیش کشیدن این فرضیه و به زبان عربی نوشته بود، در کتاب خود می‌گنجاند. این کتاب از سوی محافل علمی و دانشگاهی بسیار مورد استقبال قرار گرفته و مراجعات مکرری توأم با تبریک به استاد شده است.

یازار:  
دکتر حسین محمدرزاده صدیق (دوزگون)  
دیل:  
فارسجا  
یابین انوی:  
تکدرخت



انسان باتلاغا باتسادا، فیکرینی اوجا توتمالیدیر.

۹۳۵\*\*\*۴۴۵۷

دونیاسی دئییشیلین اینسانین فیکرینی هابنله یولونو دوام ااتمه لییک.

۹۳۵\*\*\*۹۶۵

جانیمی آلسازدا، فیکریمی آلماناسیز.

۹۱۴\*\*\*۲۵۷۳

بورداکی سو اصلینده بوغاناق فضا و باغلیلیق چاغی تمثیل ائدن عنصردور؛ آنجاق بئینین النده قوزایان اینسان او فسادان چیخماغا چالیشیر.

۹۳۷\*\*\*۶۵۱۸

فیکرلریمیز اؤز الیمیزدن چیخیب و باشقارلی نچور ایسته سه لر بیزده اوجور دوشونوروک.

۹۳۶\*\*\*۰۷۷۴

دوغرو دوشونجه نی آنلایان اینسانلار هر دورومدا اونو یاشاداجاقلار.

۹۳۹\*\*\*۶۱۹۸

داها...

ساغ اولاسیز قارداشلاریم! درگی نی اوخودوقجا اوره بیسم آچیلیر، وار اولاسیز! شعرلرده گؤزلیدی آما کاش درگی نین سای سی چوخ اولاردی.

۹۱۴\*\*\*۵۷۲۶

پروین اعتصامی، فرح دیبا، احمد کسروی و... باتفاق هیچ تاج گلی بر سر آذربایجان نزده اند، پس قهرمان آذربایجان نیستند.

۹۳۵\*\*\*۴۴۵۷

یورولماسین ایگید قارداشلاریم، اولورسا درگی نیزده تورکجه یازیلارین سای سی داها چوخ اولسون، ساغ اولون. آیلین فوشاچایی

۹۱۴\*\*\*۸۱۴۸

### بوشکیل حاقیندا دوشونجه لرینیزی

دنیز درگی سینه گؤنדרمک له بیزیم یاریشیمیزا قاتیلین



کاریکاتور یاریشی

ضمن تشکر از عزیزانی که مطالب خود را به ایمیل ما فرستادند، دوستان مشتاق به همکاری نیز می توانند مطالب و نظرات خود را به ایمیل نشریه ارسال نمایند. مطالب ارسالی با ذکر منابع باشد. همچنین برای دریافت شماره های قبلی می توانید به وبلاگ نشریه مراجعه نمایید.

نشریه دانشجویی فرهنگی، ادبی، هنری و ورزشی

دانشگاه اورمی

سوروملو مودور هابنله ایتمیاز بییه سی:

عزت الله قلی زاده

باش یازار:

یاسر رنجبری

گرافیک و دوزنلمه:

فرهاد ماجد

بیزله سیز آراسینداکی ایلگی کؤرپولر:

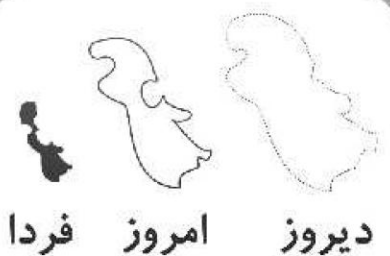
Blog:

www.urmudenizi.arzublog.com

E-Mail:

urmudenizi@gmail.com

T: 0935 580 1417



دیروز امروز فردا

توکوی نشریه شان دهنده سیر ندریخ. شک شین دریاچه لوریه می باشد